

دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۲۱، مراقب کسی باشید که باید از او بترسید، لوقا ۱۲:۳۵-۵۹

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر دانیل کی. دارکو در تدریس خود در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۲۱ است. مراقب کسی باشید که باید از او بترسید. لوقا ۱۲:۳۵-۵۹.

به مجموعه سخنرانی‌های الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید. در سخنرانی قبلی بررسی کردیم که چگونه عیسی به کسی که در مورد لزوم تقسیم ارث سؤال پرسیده بود پاسخ داد و چگونه عیسی از آن برای پوشش مسائل طمع استفاده کرد و مستقیماً به این موضوع پرداختیم که آنچه شاگردان واقعی باید دنبال کنند این است که ابتدا پادشاهی را جستجو کنند، با درک اینکه خدا کسی است که آنچه را که باید از او بترسید، بلکه از فصل ۱۲ آیات ۳۵ تا ۴۸ به این نکته اشاره خواهید کرد که در واقع کسی که باید از او بترسید، خدای داوری است. من از آیه ۳۵ لوقا فصل ۱۲ خواندم: برای عمل لباس بپوشید و چراغ‌هایتان را روشن نگه دارید. ضمناً، به ارتباطش توجه کنید. او می‌گوید نگران لباسی که می‌پوشید و از این قبیل چیزها نباشید.

در اینجا، می‌بینیم که عیسی با حالتی نبوی به لزوم مراقبت می‌پردازد، زیرا کسی که باید از او بترسید، هنوز با مسئله اضطراب یا ترس سر و کار دارد. اگر آیه قبلی را به خاطر داشته باشید، او گفت از گله‌ی کوچک من نترسید، مضطرب و نگران نباشید، بلکه از فصل ۱۲ آیات ۳۵ تا ۴۸ به این نکته اشاره خواهید کرد که در واقع کسی که باید از او بترسید، خدای داوری است. من از آیه ۳۵ لوقا فصل ۱۲ خواندم: برای عمل لباس بپوشید و چراغ‌هایتان را روشن نگه دارید. ضمناً، به ارتباطش توجه کنید. او می‌گوید نگران لباسی که می‌پوشید و از این قبیل چیزها نباشید.

اما او می‌گوید خدا به شما خواهد داد، و اگر پادشاهی را بجوید، همه این چیزها به شما اضافه خواهد شد. و سپس اینجا ادامه می‌دهد و می‌گوید لباس بپوشید، گویی خدا از قبل شما را تأمین کرده است. لباس بپوشید و چراغ‌هایتان را روشن نگه دارید. و مانند مردانی باشید که منتظرند اربابشان از جشن عروسی به خانه بیاید تا وقتی که می‌آید و در می‌زند، فوراً در را برایش باز کنند. خوشا به حال آن غلامانی که اربابشان وقتی می‌آید بیدار می‌بیند. به راستی به شما می‌گویم که او خود را برای خدمت آماده می‌کند و آنها را بر سر سفره می‌نشاند. و اگر در پاس دوم یا سوم بیاید و آنها را بیدار ببیند، می‌آید و به آنها خدمت می‌کند. خوشا به حال آن غلامان. ضمناً، کلمه غلامان در اینجا به عنوان برده نیز ترجمه می‌شود، اما توجه کنید که اگر ارباب کنجکاو، صاحب خانه، می‌دانست دزد در چه ساعتی می‌آید، خانه‌اش را ترک می‌کرد، خانه‌اش را ترک نمی‌کرد. تا به آن دستبرد زده شود.

شما نیز باید آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی می‌آید که انتظار ندارید. پطرس از آیه ۴۱ می‌گوید خداوند، آیا این مثل را برای ما می‌گویی یا برای همه؟ «و خداوند فرمود: «پس کیست آن مباشر امین و دانا که اربابش او را بر اهل خانه‌اش بگمارد تا سهم خوراکشان را در وقت مناسب به آنها بدهد؟» خوشا به حال غلامی که اربابش چون آید، او را در حال انجام این کار بباید. به راستی به شما می‌گویم، او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت. اما اگر آن غلام با خود بگوید: «اربابم در آمدن تأخیر کرده است و شروع به کتک زدن غلامان و کنیزان و خوردن و آشامیدن و مستی کند، همان تصویری که از صاحبخانه نادان به یاد دارید»، ارباب آن غلام در روزی که انتظارش را ندارد و در ساعتی که نمی‌داند، خواهد آمد و او را تکه‌تکه کرده و با بی‌وفان خواهد گذاشت.»

و آن غلامی که خواست اربابش را می‌دانست اما آماده نشد یا طبق خواست او عمل نکرد، تنبیه سختی خواهد دید. اما آن که نمی‌دانست و کاری را که شایسته تنبیه بود انجام داد، تنبیه سبکی خواهد دید. به قسمتی که برایت زرد کرده‌ام نگاه کن.

به هر کسی که به او زیاد داده شده، از او زیاد مطالبه خواهد شد. و از هر که به او زیاد سپرده شده، بیشتر مطالبه خواهد شد. عیسی در اینجا با تصویری که قبلاً به آن اشاره کرده بود، به برخی از زمینه‌های آمادگی که شاگردان باید در مورد آنها فکر کنند، اشاره می‌کند.

آنها نباید از چیزهایی که کنترلی بر آنها ندارند بترسند و نباید در ترس یا اضطراب از آینده‌ای که کنترلی بر آن ندارند زندگی کنند. بلکه باید هوشیار باشند و از آمادگی خود هنگام ورود خداوند بترسند. اولین تصویری که او از خود نشان می‌دهد، تصویر بردگان و اربابانشان است.

از بردگان انتظار می‌رود که برای عروسی آنقدر آماده باشند که ارباب قرار است از راه برسد و آنها نمی‌دانند ارباب چه زمانی خواهد آمد. ایده این است که ارباب ممکن است نیمه‌شب بیاید، اما انتظار دارد که آنها درست دم دروازه باشند تا بتوانند هنگام ورود او در را باز کنند. من این نوع تشریفات را هنگام زندگی در انگلستان دوست دارم، زمانی که برخی از فعالیت‌های سلطنتی را که قرار است اتفاق بیفتد، می‌بینید.

و سپس خواهیم دید که در اینجا عیسی نشان می‌دهد که آمادگی مهم خواهد بود زیرا عدم آمادگی در واقع منجر به مجازات یا نوعی تنبیه از سوی ارباب خواهد شد. و سپس، البته، سوال پطرس کل بحث فعلی را به موضوع رهبری دیگری منحرف می‌کند که در آن عیسی از تصویر دیگری استفاده خواهد کرد. او از تصویر یک مباشر استفاده خواهد کرد، که رئیس بردگانی است که ارباب برای ریاست بر آنها منصوب می‌کند.

سپس، عیسی در این زمینه درباره رهبری به عنوان نظارت صحبت خواهد کرد و اینکه چگونه یک ناظر باید وظایف خود را انجام دهد یا وقتی ارباب می‌آید و وظیفه به خوبی انجام نشده است، کتک بخورد یا مجازات شود. مراقب کسی باشید که باید از او بترسید. کسی که باید از او بترسید، خدای داوری است.

او در زمانی می‌آید که هیچ‌کس انتظارش را ندارد. او می‌آید و انتظار دارد کسانی که مسئولیت‌هایی به آنها سپرده شده است، وظایف خود را انجام دهند. پس بیایید سریعاً به بخش اول این متن نگاهی بیندازیم.

من در اینجا دو نکته را برجسته می‌کنم. فراخوان برای آمادگی، و دوم، داستان ظهور غیرمنتظره‌ی استاد. بیایید نگاهی سریع به فراخوان برای آمادگی بیندازیم.

در اینجا، عیسی را می‌بینیم که با استفاده از این تصاویر، مردم را به آمادگی فرا می‌خواند. کمر بند خود را محکم کنید، آیه ۳۵. کمر بند خود را محکم کنید یا کمر خود را بگیرد.

این تصویرسازی مثل این است که بگوییم با لباس گشادتان، آن را بالا بیاورید تا پاهایتان برای دویدن آزاد باشند. من تصویرسازی آیه ۱۱ از باب ۱۲ کتاب خروج را روی صفحه نمایش به شما نشان می‌دهم. این متنی است که در مورد چگونگی آماده بودن قوم عبرانی در حین غذا خوردن و آماده شدن برای جشن فصیح صحبت می‌کند تا بتوانند به راه خود ادامه دهند.

آن حس آمادگی. او می‌گوید، آماده شوید. شما باید در این نوع آمادگی و آمادگی باشید تا به اندازه کافی آزاد باشید تا حرکت کنید.

نور خود را بگیرید، مبدا تاریکی آنقدر زیاد شود که نتوانید حرکت کنید. سپس، در داستان آمدن غیرمنتظره‌ی یک خدمتکار، عیسی در ادامه به آوردن تصاویری واضح از این تمثیل می‌پردازد که چگونه بردگان باید منتظر می‌مانند. در اینجا، متوجه می‌شویم که تأکید عیسی بر خداوند، او را به تصویر کشیدن رعایا به عنوان برده سوق می‌دهد.

ارباب با عنوان کوریوس، خداوند، خطاب خواهد شد. و سپس به رعایا با عنوان برده اشاره خواهد شد. و سپس، خواهیم دید که او بردگان را به عنوان کسانی که در ضیافت عروسی منتظر ارباب هستند، به تصویر خواهد کشید.

قرار نیست ارباب خودش دروازه را لمس کند تا در را باز کند. بردگان باید فقط آماده باشند تا به محض رسیدن او، در را برای ورودش باز کنند. این امر مستلزم دقت و آمادگی چشمگیر است.

اگر دوست دارید، هوشیاری کامل در انتظار آمدن ارباب می‌بینید، ما اینجا در آیه ۳۷ می‌بینیم که لوقا در این مثل همانطور که عیسی می‌گوید، چه می‌گوید. عیسی می‌گوید وقتی ارباب بیاید و خدمتکاران آماده باشند، این کاری است که خود ارباب انجام خواهد داد.

ارباب خودش لباس می‌پوشد و وقتی به سر سفره می‌آید، چون غلامان یا خدمتکاران خیلی آماده هستند، ارباب برمی‌گردد و به غلامان خدمت می‌کند. این نکته‌ی قابل توجهی است. در واقع، عیسی در این مثل می‌گوید کسانی که برای آمدن خداوند، یعنی خود خداوند، آماده هستند، برمی‌گردند و در خدمت آنها خواهند بود.

اما این نیز درست است که آنها باید بدانند که پاداش، احترام و عزتی که در آن سفره به آنها داده خواهد شد، تنها در صورتی تحقق خواهد یافت که بفهمند آمدن استاد غیرمنتظره است. او ممکن است هر لحظه بیاید. او ممکن است هر لحظه وارد ضیافت عروسی شود.

و وقتی او ظاهر می‌شود، آنها باید آماده باشند. چرا عیسی این را می‌گوید؟ عیسی آنها را از نظر شاگردی و آمادگی برای شاگرد واقعی بودن در پادشاهی خدا به چالش می‌کشد. این آمادگی مستلزم این حس هوشیاری است که در هر ساعت، هر دقیقه و هر ثانیه از دستورات استاد پیروی کنیم.

بخش مهم این مثل خاص، به نظر من، زمانی است که اربابی که بردگان منتظرش هستند، وارد می‌شود. و ارباب، با پاداش دادن به بردگان، به بردگان خدمت می‌کند. می‌دانید، من بخشی از یوحنا فصل ۲۱ را به یاد می‌آورم.

پس از رستاخیز، عیسی آمد و شاگردان از یهودیه فرار کردند و به جلیل بازگشتند و به ماهیگیری پرداختند. آنها تمام شب را به ماهیگیری گذرانده بودند. در یوحنا ۲۱ آمده است که آنها چیزی صید نکردند.

و این یکی از آن قسمت‌هاست. هر وقت به شخصیت خداوند عیسی فکر می‌کنم، فقط گیج می‌شوم. به همین دلیل است که کمی این را اینجا مطرح می‌کنم. عیسی وارد می‌شود.

اینها افرادی بودند که در واقع رؤیا را از بین می‌بردند. اساساً، آنها به حرفه قبلی خود بازگشته بودند، زیرا فکر می‌کردند دستگیری و مرگ عیسی، رؤیای پادشاهی خدا را از بین برده است. با این حال، وقتی عیسی به آنجا رفت، آنها را در دوردست‌ها در کنار دریاچه دید.

او متوجه شد که آنها گرسنه هستند. خود عیسی برای آنها صبحانه پخت. و سپس، وقتی به ساحل رسیدند، خود عیسی به آنها غذا داد.

دوست دارم در کلیسا چیزی بگویم که اگر من جای عیسی بودم و در آن اتفاق خاص به افرادی مثل پطرس غذا می‌دادم، صبحانه را مثل همین الان که انجیل را باز می‌کنم، در بشقاب می‌گذاشتم. و وقتی به پطرس

می‌رسیدم، می‌گفتم: پطرس، صبحانه، آقا. و درست وقتی که او صبحانه را می‌خورد، آن را به صورتش می‌مالیدم.

چون او کسی بود که بلند شد و گفت: «من دارم می‌روم ماهیگیری.» همه همه چیز را متوقف کردند و دنبالش رفتند تا از مأموریت منحرف شوند. اما می‌بینید، در این تمثیل، عیسی چنین تصویری به ما می‌دهد.

ارباب وارد می‌شود و بردگانی که در انجام کار خود بسیار هوشیار بودند، خود ارباب را در حال خدمت به خود در کنار سفره می‌بینند. در جامعه‌ی شرافت و ننگ، شما در مورد والاترین شکل شرافت و عزتی که به بردگان اعطا می‌شود صحبت می‌کنید. عیسی می‌گوید پادشاهی خدا اینگونه است.

کسانی که هوشیار و آماده هستند پاداش خواهند گرفت. می‌بینید، اما آنها باید بدانند که آمدن غیرمنتظره مانند ورود دزد به جایی خواهد بود. و اگر کسی بداند دزد چه زمانی می‌آید، آماده خواهد بود.

تصویر دزد که در اینجا در لوقا استفاده شده است، چیز جدیدی نیست. ما آن را در متی ۲۴، آیه ۴۳، اول تسالونیکیان ۵:۲، دوم پطرس ۲:۳، ۱۰ می‌یابیم. همین تصویر را در مکاشفه ۱۶، آیه ۱۵ نیز می‌بینیم.

بنابراین این چیز جدیدی نیست. اما به تأکیدی که عیسی اینجا مطرح می‌کند توجه کنید. او خواهد آمد.

و او مانند دزد در شب خواهد آمد. شاگردان باید آماده باشند. شاگردان باید آماده باشند.

من حرف‌های جوئل گرین را دوست دارم. وقتی به تفسیرهای جوئل گرین نگاه می‌کنم، عاشقش می‌شوم. گرین این‌طور می‌گوید.

می‌بینید، ارباب دچار یک دگرگونی جایگاه می‌شود به طوری که به نمایندگی از بردگان خود، به فعالیت‌های برده‌وار می‌پردازد. با این حال، عیسی تا آنجا پیش نمی‌رود که آنها را اکنون به عنوان ارباب به تصویر بکشد. در عوض، به نظر می‌رسد که او به جای قراردادهای رایج خانگی که توسط نگرانی بیش از حد نسبت به جایگاه و منزلت اداره می‌شوند، خانه خدا را قرار می‌دهد.

با نابینایی نسبت به مسائل مربوط به جایگاه و نقش‌هایی که با آنها همراه است، مشخص می‌شود. عیسی برای مخاطبان خود تصویری از آخرت، از واقعیتی خانگی که در آن سلسله مراتب جایگاه لغو می‌شود، ارائه می‌دهد. با این تصویر، او هم ماهیت پاداشی را که در انتظار مؤمنان است اعلام می‌کند و هم مخاطبان خود را نسبت به ماهیت وفاداری در این فاصله و در آخرت آگاه می‌سازد.

عیسی آن شاگردان را فرا می‌خواند. اولویت‌های خود را در جای درست قرار دهید و آماده باشید تا به دنبال کسی باشید که باید از او بترسید، و در این صورت مورد احترام قرار خواهید گرفت. اما سوال پطرس برای عیسی بسیار گیج‌کننده بود.

وقتی پطرس برگشت و آن سوال را از عیسی پرسید، ۴۱ ساله بود و گفت: «راستی، عیسی، آیا واقعاً با ما صحبت می‌کنی یا با همه آنها؟ منظورم این است که چیزی که اینجا می‌گویی کمی پیچیده است. منظورم این است که تو سعی داری ما را به انجام کارهای خاصی به چالش بکشی. منظورت این است که این درباره ماست یا همه آنها؟» حالا عیسی می‌گوید، بگذار یک مثل دیگر برای بگویم.

در این ترجمه انگلیسی از این تمثیل، به کلمه مدیر برمی‌خوریم. می‌خواهم بدانید که کلمه یونانی باید به عنوان مباشر ترجمه شود. این کسی است که می‌تواند برده باشد یا هر کسی که در خانه‌ای کمک می‌کند و ارباب به او اعتماد دارد تا در غیاب او، متولی املاک خود را به او بسپارد.

اگر او مسئولیت‌های تجاری داشته باشد، این شخص تمام آن را اداره خواهد کرد. این چیزی است که با توجه به مشاهده و اعتماد زیاد به فرد نسبت داده می‌شود یا داده می‌شود. عیسی از این موضوع برای انتقال این پیام به پطرس و بقیه استفاده خواهد کرد که رهبری در پادشاهی خدا نیز با احساس تعهد همراه است.

نیاز به وفاداری و انجام وظیفه به شیوه‌ای وجود دارد که وقتی کسی که باید از او بترسیم می‌آید، خدای داوری نیز از راه برسد. خدای داوری برای داوری سخت برنخواهد خاست، بلکه همانطور که در مثل قبلی دیدیم، خداوند، ارباب، حتی حاضر است به بندگان وفادار نیز خدمت کند. می‌بینید، سؤال پطرس در اینجا چند نکته را مطرح می‌کند و من شش نکته را از آن بخش از مثل برجسته می‌کنم.

اکنون عیسی موضوع را به رهبری می‌رساند زیرا یکی از اعضای گروه رسولان در مورد درخواست سؤال می‌کند، وقتی عیسی از کلمه مدیر استفاده کرد، لزوماً در مورد یک شخص خارجی که وارد می‌شود صحبت نمی‌کرد بلکه همانطور که از این تمثیل پیداست، او در مورد یکی از بردگانی صحبت می‌کرد که بزرگ شده و به او اعتماد شده بود تا بتواند آن مسئولیت را بر عهده بگیرد. به عبارت دیگر، در پادشاهی خدا، همه ما برابر هستیم.

ممکن است مسئولیت‌های رهبری خاصی به ما داده شود و به ما محول شود، و حتی با وجود آن، پاسخگویی عمده‌ای لازم است. می‌توان دید که وقتی ارباب مالکیت را به کسی واگذار می‌کرد، بخشی از آن را به او واگذار نمی‌کرد؛ ارباب همه چیز را به اقتصاددان، یعنی مباشر، می‌سپرد. از مباشر انتظار می‌رود که در قبال اعتمادی که ارباب به او دارد، پاسخی متناسب داشته باشد.

انجام وظایف با وفاداری، خدمت به عنوان یک خدمتگزار وفادار، نمایندگی ارباب به افتخار او. در اینجا در این مثل، به نظر می‌رسد عیسی در مورد بدیهیات صحبت می‌کند، همچنین می‌داند که برخی از مباشران احتمالاً از موقعیت خود سوءاستفاده می‌کنند و تأکید می‌کند که وفاداری باعث برکت و ارتقاء خواهد شد. رهبرانی که کار خود را به خوبی انجام می‌دهند پاداش خواهند گرفت، اما سوءاستفاده از رعایا در مورد بردگان مرد و بردگان زن یا منابع در امور خوردن و آشامیدن مجازات خواهد شد.

اما ارباب آنقدر منصف است که می‌گوید وقتی وارد می‌شود، مجازات را بر اساس سطح دانش افراد در مورد شرح وظایفشان تقسیم می‌کند. در واقع، عیسی در این تمثیل‌ها کار بسیار جالبی انجام می‌دهد. او نشان می‌دهد که در وهله اول، بردگان یا خدمتکارانی که وفادار هستند، نزد اربابی که حتی به آنها خدمت می‌کند بی‌آبرو می‌شوند.

با این حال، رهبری در پادشاهی خدا نباید به عنوان جایگاهی برتر از سوءاستفاده تلقی شود. به یاد داشته باشید، در مثل بلافاصله قبل، عیسی پیش از این مسائل مربوط به قدرت و جایگاه را زیر پا گذاشته بود، زیرا او روایت می‌کرد که چگونه خود ارباب برمی‌گردد و به بردگان سر سفره خدمت می‌کند. در اینجا، اگر پطرس علاقه‌مند به دانستن است، به پطرس یادآوری می‌کند که اگر وظیفه خود را به عنوان یک رسول به خوبی انجام دهد، پاداش وفاداری را دریافت خواهد کرد.

اما اگر این کار را نکنند، خدای داوری خواهد آمد و خدای داوری آنها را به طور متناسب داوری خواهد کرد. از اینجا است که عیسی در لوقا ۱۲، آیات ۴۹-۵۹، به فراخواندن مردم برای تصمیم‌گیری ادامه می‌دهد. من خواندم که آمده‌ام تا آتشی بر زمین بیندازم، و کاش که پیش از این شعله‌ور شده بود.

من تعمیدی دارم که باید بگیرم، و تا زمان انجام آن چقدر در فشار هستم. آیا گمان می‌کنید که آمده‌ام تا صلح را بر زمین برقرار کنم؟ نه، به شما می‌گویم، بلکه آمده‌ام تا تفرقه ایجاد کنم. از این پس، در یک خانه، پنج نفر تفرقه خواهند افتاد، سه نفر بر ضد دو نفر، دو نفر بر ضد سه نفر.

پدر علیه پسر، پسر علیه پدر، مادر علیه دختر، دختر علیه مادر، مادر شوهر علیه عروس و عروس علیه مادر شوهر اختلاف خواهند داشت. آیه ۵۴. او همچنین به جمعیت گفت: «وقتی ابری را می‌بینید که از «مغرب بالا می‌آید، فوراً می‌گویید: باران می‌بارد».

و همینطور هم می‌شود. و وقتی باد ملایمی را می‌بینید که می‌وزد، می‌گویید: «گرمای شدیدی خواهد شد.» و همینطور هم می‌شود.

ای ریاکاران، شما می‌دانید که چگونه می‌توان ظاهر زمین و آسمان را تفسیر کرد. و چرا نمی‌دانید چگونه زمان حال را تفسیر کنید؟ و چرا خودتان قضاوت نمی‌کنید که چه چیزی درست است؟ همانطور که با مدعی خود نزد قاضی می‌روید، سعی کنید در راه با او صلح کنید، مبادا شما را به قاضی بکشد و قاضی شما را به افسر تحویل دهد و افسر شما را به زندان بپندارد. به شما می‌گویم، تا آخرین بدهی خود را پرداخت نکنید، هرگز آزاد نخواهید شد.

عیسی این شاگردان را برای تصمیم‌گیری فرا می‌خواند. و به نظر می‌رسد که او آگاه است که تمثیلش برای پطرس خوب از آب در نخواهد آمد. وقتی به او گفت که مباشر باید وظایف خود را به خوبی انجام دهد، وفاداری پاداش خواهد گرفت، اما رهبری غیرمسئولانه مجازات خواهد شد.

حالا، او در ادامه به بیان این جمله‌ی مهم می‌پردازد که باعث شده برخی از محققان از خود پرسند که ماجرا از چه قرار است. عیسی گفت من آمده‌ام تا تفرقه ایجاد کنم. و در این جمله، او با شور و اشتیاق دلیل آمدنش را بیان می‌کند.

سیس، او نشان خواهد داد که در واقع، او نیامده است تا آرامش را به پویایی گروه‌های خویشاوندی بیاورد. او نیامده است تا اعضای خانواده را در هر شرایطی بیش از حد راحت یا بیش از حد دنج در کنار یکدیگر قرار دهد. تصمیمات پادشاهی او چنان تأثیرگذار خواهد بود که مردم ملزم به تصمیم‌گیری‌هایی خواهند بود که ممکن است بر روابط تأثیر بگذارد.

اولویت در پیروی از عیسی ممکن است به قیمت از دست دادن میل و نیاز برخی افراد به عضویت در شبکه خانوادگی‌شان تمام شود. عیسی آنها را به خاطر این واقعیت که توانایی تفسیر فصول را دارند، به چالش می‌کشد و مورد انتقاد قرار می‌دهد. و اینکه آنها می‌توانند زمان آمدن باران یا گرما را پیش‌بینی کنند.

اما به نظر نمی‌رسد که آنها توانایی خواندن در مورد علم پادشاهی خدا را داشته باشند. پادشاهی خدا نزدیک است و آنها باید پاسخ دهند و تصمیمی بگیرند. وقتی عیسی تصویر آتش را می‌سازد، می‌دانیم که تصاویر آتش در اینجا و آنجا در کتاب مقدس در مورد موارد بسیار زیادی ساخته شده است.

یکی از آنها، به نظر من، این است که روشی که جانسون آن را به تصویر می‌کشد، به نظر می‌رسد مکمل نحوه‌ی خواندن ما از این متن است. تیموتی جانسون در تفسیر انجیل لوقا می‌نویسد: «تصویر آتش، الیاس پیامبر را به یاد می‌آورد که آتش را از جانب خداوند علیه انبیای بعل و همچنین سربازان پادشاه آحاز فرو ریخت.» شاگردان عیسی می‌خواستند این نوع انتقام را علیه سامری‌ها در فصل ۹، آیه ۵۴ اعمال کنند، اما او اجازه نداد.

، اگر پیشینه نبوی بر این گفته که عیسی خواهان داوری آخرالزمانی است، همانطور که یحیی وعده داده بود حاکم باشد، درختی که میوه نمی‌دهد در آتش قطع خواهد شد. گاه در آتش خاموش نشدنی قوی است. آتش به عنوان ابزار داوری در فصل ۱۷، آیه ۲۹ تکرار می‌شود.

از سوی دیگر، لوقا بعداً در اعمال رسولان ۲:۳ آن را با هدیه روح القدس مرتبط می‌کند، همانطور که در لوقا ۳:۱۶ با اشاره به خدمت یحیی می‌بینیم. اما می‌بینید، وقتی عیسی با شور و اشتیاق درخواست خود را مطرح می‌کند، به وضوح اشاره می‌کند که آمده است تا آتش و داوری را به عنوان دلیلی که مردم باید برای شاگردی رادیکال تصمیم بگیرند، بیاورد. او تعمیدی دارد که باید انجام دهد. تعمید چیست؟ در مورد ماهیت این تعمید چند دیدگاه بیان شده است.

برخی می‌گویند که عبارت تعمید به فاجعه یا مرگ خود عیسی اشاره دارد. برخی دیگر آن را با تعمید روح در بنطیکاست مرتبط دانسته‌اند. برخی دیگر می‌گویند که ممکن است ترکیبی از هر دو باشد.

من این را اینطور برداشت کردم که عیسی می‌گوید اگر دوست دارید، چالش‌هایی در پیش دارد که باید امتحان کند، فجایی که باید از سر بگذراند یا مرگی که باید از سر بگذراند. و ماجرای پادشاهی شوخی نیست. او نیامده است که آرامش ارزان، نوعی درک ارزان از آرامش، به شما بدهد.

او آمده است تا تفرقه ایجاد کند. عیسی نمی‌گوید که در پادشاهی خدا، اعضای خانواده دیگر عضو خانواده نیستند. از سوی دیگر، عیسی می‌گوید که در پادشاهی خدا، اولویت‌های پادشاهی باید بر اولویت‌های پادشاهی غلبه کند.

ما مشابه این نوع تعلیم را در انجیل توماس می‌یابیم. باید بگوییم که انجیل توماس در کتاب مقدس ما نیست. در یکی از نوشته‌های پدران رسولی یا برخی از نوشته‌های جعلی وجود دارد.

بنابراین، برای کسانی که با این موضوع آشنا نیستند، من نمی‌گویم که این بخشی از کتاب مقدس است. من فقط می‌گویم که مسیحیان اولیه به متنی مانند این دسترسی داشتند. به نظر می‌رسد آن متن با آنچه در اینجا می‌بینیم، همخوانی دارد.

در انجیل توماس ۱۶، می‌خوانیم که عیسی گفت، شاید مردم فکر می‌کنند که من آمده‌ام تا صلح را بر جهان برقرار کنم. و نمی‌دانند که من آمده‌ام تا بر زمین عروج کنم، آتش، شمشیر، جنگ. زیرا پنج نفر در یک خانه خواهند بود.

سه نفر علیه دو نفر، و دو نفر علیه سه نفر، و پدر علیه پسر، و پسر علیه پدر، و آنها به صورت تنها خواهند ایستاد. اگر شما شاگرد من شوید، همانطور که برای شما خط کشیدم، اگر شاگرد من شوید و به سخنان من توجه کنید، این سنگ‌ها به شما خدمت خواهند کرد، زیرا پنج درخت در بهشت برای شما وجود دارد. آنها تابستان یا زمستان را تغییر نمی‌دهند و برگ‌هایشان نمی‌ریزد.

هر که آنها را بشناسد، طعم مرگ را نخواهد چشید. به عبارت دیگر، عیسی می‌گوید، من برای داوری آمده‌ام. من به شاگردی ریشه‌ای فرا می‌خوانم، و برای کسانی که به این شاگردی ریشه‌ای توجه می‌کنند، جایگاه بهتری، جایگاهی ارجمند در آخرت برایشان وجود خواهد داشت.

عیسی برای آرامش نمی‌آید. اکنون مهم‌ترین نهادهای یهودیت معبد دوم یا فرهنگ یهودی در اینجا مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. او می‌گوید حتی یک رابطه پدر و پسر نیز می‌تواند خدشه‌دار شود، زمانی که یکی در مورد پادشاهی تصمیم می‌گیرد و دیگری لزوماً نمی‌خواهد در آن شرکت کند.

باید بدانید که این فراخوان رادیکال برای شاگردی چیز جدیدی نیست. در قرآن، جامعه‌ی مقدسین، فرقه‌ای کاملاً مردانه، حتی تصمیم می‌گیرند که آنجا را ترک کنند و در بیابان ساکن شوند و با دوستان خود باشند. عیسی خواستار اولویت است، نه لغو کامل پیوندهای خانوادگی.

تفرقه‌ای که او اینجا از آن صحبت می‌کند، تفرقه‌ای نیست که خویشاوندی طبیعی را از بین ببرد. نه تفرقه‌ای که او اینجا از آن صحبت می‌کند، تفرقه‌ای است که بر سر تصمیمات مربوط به پادشاهی که مورد توافق قرار نگرفته‌اند، وجود دارد. ما از کتاب اعمال رسولان می‌دانیم که خانواده‌ها نجات خواهند یافت.

اما اگر اعضای خانواده نخواهند از عیسی پیروی کنند چه؟ می‌بینید، روابط نام‌برده‌شده‌ای که او در اینجا مطرح می‌کند، نزدیکترین پیوندهای اعضا در خویشاوندی آن زمان هستند. عیسی همچنان می‌گوید که می‌خواهد آنها رابطه‌ی پادشاهی خدا را بر این روابط اولویت دهند. اما همانطور که قبلاً در یکی از سخنرانی‌های قبلی گفتم و در آن جلسه‌ی خاص بیشتر توضیح دادم، آیا عیسی پیشنهاد می‌کند که، خویشاوندی خیالی، به عبارت دیگر، پویایی خانواده در پادشاهی خدا، باید جایگزین خویشاوندی طبیعی، رابطه‌ی خانوادگی طبیعی ما، شود؟ خیر.

اما باید این نکته را نیز روشن کنم که برخی از محققان با من در این مورد مخالفند. برخی از محققان معتقدند که در آموزه‌های عیسی، خویشاوندی خیالی برای از بین بردن پیوندهای طبیعی آمده است. بنابراین، اعضای کلیسا به یک خانواده جدید تبدیل می‌شوند.

و این می‌شود خانواده‌شان، اولین و مهم‌ترین خانواده‌شان. حالا من تمایل دارم با این نظر مخالف باشم. موضوع من این است که ما شاهد بوده‌ایم که عیسی به ملاقات افرادی رفته و با آنها در ارتباط بوده که نیاز به رسیدگی به اعضای خانواده‌شان داشته‌اند.

او آنها را فرا نخواند تا از او پیروی کنند و خانواده خود را کنار بگذارند. اما در مورد شاگردان رادیکال مانند پطرس، می‌دانیم که وقتی پطرس امور آینده را رها کرد و از عیسی پیروی کرد، همسرش را نیز پشت سر گذاشت. این بدان معنا نیست که او از ازدواج دست کشید.

من در رسالت عیسی الگویی نمی‌بینم، حتی وقتی که او درباره پدرانی صحبت می‌کند که بهترین را برای فرزندان‌شان می‌دانند. من نمی‌بینم که او پیوندهای طبیعی را تضعیف کند، اما می‌بینم که او به حساسیت‌های خویشاوندی که مردم می‌دانند متوسل می‌شود تا نکته بزرگتری را بیان کند. برای درک پیوندهایی که مردم در، خویشاوندی دارند، خویشاوندی طبیعی به عنوان برادر و خواهر، شوهر و همسر، والدین و فرزندان، خویشاوندان نسبی، مادرشوهر و عروس.

تمام این رابطه، پیوندهایی که دارند، اولویت و حس عاطفی و وفاداری که در این رابطه وجود دارد، چیزی است که به نظر می‌رسد عیسی به آن اشاره می‌کند. آن حس تعهد باید به پادشاهی و امور آن معطوف شود. از این نظر، اولویت چیزی است که در معرض خطر است و از نظر من از بین نرفته است.

برخی از محققان پیش از این گفته‌اند، و با لحنی تند نوشته‌اند تا با من مخالفت کنند. من کمی روی این موضوع کار کرده‌ام و می‌توانم به شما بگویم که برخی مشتاقند بگویند که عیسی به خانواده زمینی اهمیت

زیادی نمی‌دهد زیرا در آموزه‌های خود ثابت قدم است. فقط می‌خواهم بدانید که برداشت من از این حرف این است که عیسی می‌گوید تصمیمی که باید گرفته شود این است.

اول از همه، مسائل مربوط به پادشاهی خدا را در سطح تعهد، وفاداری و صداقت خود انتخاب کنید، نه اینکه پیوندهای طبیعی خانوادگی خود را از هم بپاشید. به عبارت دیگر، من از عیسی نمی‌شنوم که بگوید اگر شوهر هستید و پیرو مسیح می‌شوید، دلیل موجهی برای ترک خانواده خود دارید. اگر از مسئولیت‌های خود به عنوان یک پدر، یک شوهر، یا اگر همسر هستید، پیرو مسیح می‌شوید، دلیل موجهی برای ترک یا دوری از پیوندهای خانوادگی خود دارید.

شاید به این دلیل که برخی از اعضای خانواده شما پیرو مسیح نیستند. نه، اما من منظور عیسی را در اینجا اینگونه می‌بینم: تعهد و وفاداری و همچنین وفاداری به خدا و پادشاهی خدا را در اولویت قرار دهید.

و اگر این را در اولویت قرار دهید، همانطور که او حتی پیشتر گفت، چیزهای دیگری اضافه خواهند شد. اما همانطور که او بیان می‌کند، پادشاهی نباید در سطوح تعهد فرد در درجه دوم اهمیت قرار گیرد. زیرا کسی که باید از قضاوت بترسد، وفاداری مطلق را می‌طلبد که مستلزم هوشیاری و تعهد به تیم است.

می‌بینید، توانایی تفسیر فصول توسط مردم شناخته شده است. و اگر همین افرادی که به نظر می‌رسد دانش خوبی از چگونگی آمدن باران یا چگونگی تغییر آب و هوا دارند، نتوانند آمدن پسر انسان را پیش‌بینی کنند، پس این یک مشکل است. به همین دلیل است که باید به وضوح درک کرد که عیسی در امر پادشاهی ریاکاری را تحمل نخواهد کرد.

او کسانی را که فکر می‌کنند می‌توانند فصل‌ها را تشخیص دهند اما نشانه‌های آمدن پسر انسان را به درستی تفسیر نمی‌کنند، ریاکار می‌نامد. داور آینده خداست. آنها باید از او بترسند.

همانطور که گرین می‌گوید، اگر آنها می‌توانستند خودشان ماهیت رسالت عیسی را قضاوت کنند، به ویژه در رابطه با داوری که از قبل به دلیل تبلیغ هدف الهی توسط او وجود داشت، برای جلوگیری از داوری آخرالزمانی اقدام می‌کردند. کسی که باید از او ترسید، در حال آمدن است. قاضی آینده به عنوان پادشاه پادشاهی خدا در حال آمدن است.

وقتی به این موضوع نگاه می‌کنیم، که در آموزه‌های عیسی بسیار بسیار سختگیرانه به نظر می‌رسد، که بسیار بسیار سختگیرانه و کاملاً طاقت‌فرسا به نظر می‌رسد، یعنی درخواست اولویت دادن به رابطه با خدا بر سایر روابط. اما می‌بینید، عیسی به هر جنبه‌ای از زندگی شما علاقه‌مند است. بنابراین، وقتی شما را به شاگردی فرا می‌خواند، شما را فرا می‌خواند، با این آگاهی که وقتی به شاگردی متعهد می‌شوید، او همه چیزهای دیگر را به کار خواهد انداخت.

همیشه اوضاع خوب پیش نمی‌رود، اما او چیزهای دیگری را که ممکن است نیاز داشته باشید به شما خواهد داد. زیرا وقتی خدای داوری از راه برسد، دیگر بهانه‌ای برای گفتن این که «اوه، به خاطر خانواده‌ام وقت ندارم»، همانطور که در آموزه‌های بعدی Z، Y، X ندارم «وجود نخواهد داشت». اوه، به خاطر خواهیم دید.

نه، او می‌گوید آن بهانه‌ها پابرجا نخواهند ماند. به همین دلیل است که اکنون فراخوان داده شده است. زمان پاسخ دادن اکنون است.

اکنون زمان تصمیم‌گیری برای عیسی مسیح فرا رسیده است. می‌خواهم شما را در تماشای این ویدیو و پیوستن به این بحث تشویق کنم که اگر از قبل پیرو عیسی مسیح نیستید، وحشت نکنید، شاید عیسی از شما انتظارات زیادی دارد. اما منظور او را درک کنید.

اگر ما خواهان دخالت خدا در هر بخش از زندگی خود هستیم، خدا نیز به نوبه خود، تمام تعهد، وفاداری یا صداقت ما را مطالبه و طلب می‌کند. او فقط برای داوری کسانی می‌آید که در تعهد و خدمت خود کوتاهی کرده‌اند. و آنها را با انتقام تنبیهی داوری می‌کند.

او می‌آید تا به مؤمنان پاداش دهد و آنها را گرمی بدارد. باشد که من و شما را در کارمان، در خدمت‌مان، در تعهدمان برای شناساندن مسیح به جهان خدا، وفادار، صادق و کوشا بیابد. از شما بابت گوش دادن به این سخنرانی بسیار سپاسگزارم.

و امیدوارم و دعا می‌کنم که خداوند شما را برکت دهد و راه شما را با عیسی غنی کند. متشکرم.

من دکتر دانیل کی. دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۲۱ است. مراقب کسی باشید که باید از او بترسید. لوقا ۱۲:۳۵-۵۹.